



جمعیت پاسداران آزادی، حزب زحمتکشان و نهضت امام خمینی

امید عزیزی^۱

چکیده

جمعیت پاسداران آزادی (سازمان نگهبانان آزادی) از جمله سازمان‌هایی است که در دوره نهضت ملی شدن صنعت نفت، توسط دکتر مظفر بقایی تشکیل شد. این سازمان بعد از تأسیس حزب زحمتکشان به این حزب پیوست و رهبری سیاسی آن را بر عهده گرفت. این سازمان که در سال ۱۳۳۹ با نام «جمعیت پاسداران آزادی» فعالیتش را احیا کرده بود، با مرگ بقایی در سال ۱۳۶۶ منحل گردید. پذیرش اصل نظام سلطنت و مبارزه در چارچوب قانون اساسی مشروطه از اصول اساسی سازمان بود. **کلیدواژه‌ها:** سازمان نگهبانان آزادی، حزب زحمتکشان، مظفر بقایی، نهضت روحانیت، قیام پانزده خرداد.

احزاب سیاسی در ایران

احزاب و تشکل‌های سیاسی از مسائل اساسی در قلمرو فعالیت‌های سیاسی محسوب

۱. کارشناس ارشد تاریخ و مدرس دانشگاه پیام نور یاسوج



در پی مخالفت‌های بقایی با مصدق که مدت‌ها قبل از سال ۱۳۳۱ شروع شده بود، دو دیدگاه در حزب زحمتکشان پدید آمد: دیدگاه بقایی که دوران همکاری با مصدق را پایان یافته می‌دید و دیدگاه خلیل ملکی که به تداوم همکاری با مصدق تمایل داشت

می‌گردند که زمینه‌ساز بسیاری از وقایع و تحولات سیاسی-اجتماعی می‌باشند. موریس دوورژه، متفکر فرانسوی، احزاب سیاسی را همزاد آیین‌های انتخاباتی می‌داند و هدف احزاب را در وهله اول فتح قدرت یا شرکت در اجرای آن می‌داند. او در ادامه مرز میان احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ را مشخص می‌کند و می‌افزاید که بر خلاف احزاب که خواهان تصرف قدرت یا شرکت در اجرای آن هستند، گروه‌های ذی‌نفوذ بیشترین تلاششان فشار بر دولت‌هاست تا بتوانند امتیازاتی به دست آورند.^۱

این ویژگی‌ها و خصایص احزاب سیاسی مختص جوامع غربی است که سابقه تاریخی خاصی دارند. قدر مسلم احزاب سیاسی کشورهای جهان سوم کمتر توانسته‌اند همان تأثیری را در جامعه بگذارند که احزاب کشورهای پیشرفته گذاشته‌اند. این حکم را می‌توان به احزاب سیاسی ایران هم تسری داد؛ چرا که احزاب ایران هم به رغم توان بالقوه‌ای که داشته‌اند نتوانسته‌اند برنامه‌های خود را با موفقیت به انجام برسانند و ما در تاریخ سیاسی معاصر خود حزبی نداریم که با موفقیت از آزمون سر برآورده باشد.

با پدیدار گشتن فضای مناسب فعالیت‌های سیاسی در حد فاصل دو رویداد تاریخ معاصر- از شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲- احزاب و گروه‌های بسیاری پا به عرصه فعالیت‌های سیاسی نهادند که از نظر مدت زمان فعالیت، گسترش جغرافیایی، چگونگی و چرایی پدید آمدن، و نیز جلب طرفدار و عضو در یک سطح قرار نداشتند. از طرف دیگر به نظر نمی‌رسد که بتوان همه گروه‌هایی را که در این دوره تحت عنوان حزب فعالیت می‌کردند، در چارچوب فعالیت‌های حزب جای داد. در واقع بیشتر آنها در قالب‌های دیگر، همچون گروه، دسته، جمعیت، انجمن، محفل و... می‌گنجند.^۲

اکثر این احزاب و سازمان‌ها بر محوریت یک شخصیت سیاسی متولد می‌شدند و با خروج آن فرد از صحنه تلاشی می‌گشتند. از جمله این احزاب و تشکل‌ها می‌توان به حزب زحمتکشان ایران و جمعیت پاسداران آزادی به رهبری مظفر بقایی اشاره کرد. این جمعیت پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ با خروج رهبرشان از صحنه عملاً منحل و

۱. موریس دوورژه، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، میزان، ۱۳۵۴، ص ۱۴۸.

۲. محسن مدیرشانه‌چی، «حزب و توسعه سیاسی در ایران؛ مطالعه موردی ادوار اول و دوم حزب»، دانش و توسعه، نیمه اول سال ۱۳۷۹، ش ۱۱.

بی‌اثر شد و در عرصه سیاسی ایران از این تاریخ به بعد محلی از اعراب نداشت. گاه و بی‌گاه اعلامیه‌ای منتشر می‌کرد که در میان مردم بازتاب مؤثری نداشت.

پیدایی جمعیت پاسداران آزادی

سنگ بنای جمعیت پاسداران آزادی «سازمان نظارت برای آزادی انتخابات» بود که در شهریور ۱۳۲۸ و هم‌زمان با انتخابات مجلس شانزدهم شورای ملی، با همکاری عده‌ای از دانشجویان و جوانان تحصیل کرده به ریاست مظفر بقایی تشکیل شد؛ در دوره پانزدهم مجلس اقلیتی متشکل از حسین مکی، سید ابوالحسن حائری‌زاده، مظفر بقایی و عبدالقدیر آزاد شکل گرفت، که هدف خود را حل مسئله نفت اعلام کردند. این عده توانستند دولت محمد ساعد را که در پی آن بود مقدمات تصویب لایحه الحاقی نفت را فراهم کند، استیضاح کنند.^۱ در آستانه انتخابات مجلس شانزدهم، که نفت مسئله روز کشور شد، طبیعی بود افرادی که قصد ورود به مجلس شورای ملی را داشتند، درباره لایحه نفت سخن برانند. هم‌زمان نیز اعتراض‌ها به نحوه برگزاری انتخابات مجلس به اوج رسید. در این دوره بود که نمایندگان اقلیت مجلس پانزدهم و دکتر محمد مصدق، مشترکاً «سازمان نظارت بر آزادی انتخابات» را تشکیل دادند.^۲

مظفر بقایی مسئول اجرایی سازمان نظارت بر آزادی انتخابات شد. این سازمان در خیابان اکباتان تهران از اعضا نام‌نویسی می‌کرد. شعار این سازمان این بود که:

ملت ایران! ما می‌خواهیم در انتخابات شانزدهم، وکلایمان حائز اهمیت بشوند، منتها چون دولت نیروی انتظامی، در اختیار دارد، احتمال دارد نام عوامل خودش وارد صندوق‌ها شوند و اگر بشوند، مسئله نفت را باز به نفع سیاست استعماری تمام خواهند کرد.^۳

این گروه فعالیت خود را حول محور روزنامه شاهد قرار دادند که مدیر مسئول آن علی زهری از دوستان نزدیک بقایی بود. وظیفه اصلی این سازمان چنین اعلام شده بود: تأمین آزادی برای رأی‌دهندگان، حفظ صندوق‌ها و جلوگیری از تقلب

۱. دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۶۱۳-۶۱۲.

۲. محمدعلی همایون کاتوزیان، مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، مرکز، ۱۳۷۲، ص ۱۵۳.

۳. تاریخ شفاهی، در خلوت خاطرات حسین شاه‌حسینی، از کلاس‌های نخشب تا سازمان نظارت بر آزادی انتخابات، ص ۲.





نیروهای نظامی و دولتی در انتخابات و نظارت بر شمارش آرا.^۱ در چنین شرایطی خلیل ملکی و همراهانش که از حزب توده انشعاب کرده بودند، به سازمان نظارت بر آزادی انتخابات پیوستند. سازمان نظارت بر آزادی انتخابات گسترش یافت. این سازمان در انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، در شهرستان‌ها نمایندگان داشت که بر انتخابات نظارت می‌کردند. این سازمان هنگام برگزاری انتخابات فعال بود و با دیگر گروه‌ها از جمله طرفداران آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی همکاری کردند. بعدها مشخص شد که عوامل دولتی صندوق‌ها را تغییر داده‌اند و دولت مجبور به ابطال انتخابات شد. پس از آن در انتخابات مجدد در تهران ۸-۷ نفر از لیست ۱۲ نفره ملیون به مجلس راه یافتند. از بعضی از شهرستان‌ها هم شخصیت‌های ملی وارد مجلس شدند که با آمدن آنها فراکسیون ملی در مجلس قدرت یافت.

در ۱۰ آبان ۱۳۲۹ با تشکیل جبهه ملی، سازمان نظارت برای آزادی انتخابات به عنوان «سازمان مبارزه برای ملی شدن نفت» با شعار «صنعت نفت باید ملی شود» بدان پیوست. ضمن اینکه بقایی به طرفداران سازمان خود که بیشتر اعضای آن از مجمع مسلمانان مجاهد بودند، دستور داد تا شعار «صنعت نفت باید ملی شود» را به سینه خود بچسبانند.^۲

با پایان یافتن انتخابات و راه یافتن نمایندگان جبهه ملی به مجلس (از جمله خود بقایی) و پایان یافتن مأموریت اعلامی سازمان نظارت بر آزادی انتخابات از یک سو و تلاش دولت سپهبد حاجعلی رزم‌آرا برای کنترل چاپخانه شاهد از سوی دیگر (برای جلوگیری از چاپ مقالات علیه دولت) بقایی نام این سازمان را به «سازمان آزادی» و «سازمان نگهبان آزادی» تغییر داد.^۳ بقایی اصل و اساس سازمان جدید را «تحمیل و نگهبانی آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم ایران بر طبق قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر و حاکم ساختن قانون و عدالت بر سرنوشت این ملت» عنوان کرد و اعلام نمود که «سازمان نگهبانان آزادی مرکز تجمع تمام آزادی‌خواهان اصولی ایران است و از هر گونه برخورد‌های مرامی و سیاسی برکنار است. یعنی هر کس با هر عقیده و مشرب خاص فلسفی و سیاسی که باشد در صورت اعتماد داشتن به آزادی‌های قانونی

۱. شاهد، س ۱، ش ۴، ۱۳۲۸/۶/۲۴، ص ۲.

۲. حسین آبادیان، *زندگی‌نامه سیاسی دکتر مظفر بقایی*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱.

۳. مظفر بقایی، *خاطرات مظفر بقایی*، مصاحبه حبیب لاجوردی، تهران، علم، ص ۲۱۱؛ *مظفر بقایی به روایت اسناد ساواک*، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱، ج ۱، سند ش ۱۸؛ همچنین مذاکرات مجلس شورای ملی، یکشنبه ۱۳۳۰/۹/۱۷.

با استعفای مصدق و ملاقات بقایایی با احمد قوام در روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱، خلیل ملکی و همراهانش خواستار توضیح درباره این ملاقات شدند، اما بقایایی با این استدلال که حاضر نیست تا این درجه از نظم حزبی و سازمانی تن در دهد، از دادن هر گونه توضیحی خودداری کرد و به دلیل تمارض بقایایی، رسیدگی به این مسئله در حزب تا مهر ۱۳۳۱ به تعویق افتاد. در ۲۰ مهر ۱۳۳۱ جلسه حزبی در این باره تشکیل شد و بقایایی که می‌کوشید از پاسخگویی طفره رود با عصبانیت جلسه را ترک کرد و از حزب استعفا کرد

و به خاطر تحقق دادن این هدف بزرگ انسانی می‌تواند در این سازمان شرکت کند.»^۱ بقایایی به دلیل مخالفت‌های سرسختانه با سپهبد رزم‌آرا و تصویب طرح ملی شدن صنعت نفت ایران نفر دوم جبهه ملی و در کنار مصدق از سران اصلی این جبهه شناخته می‌شد و حتی داعیه رهبری جبهه ملی را نیز داشت.^۲

از روز ششم اردیبهشت ۱۳۳۰ با انتخاب دکتر مصدق به نخست‌وزیری و تشکیل دولت، اختلافات در صفوف جبهه ملی نیز آغاز شد. از یک‌سو نخستین کابینه جبهه ملی را صرفاً عناصر عضو جبهه ملی تشکیل نمی‌داد و افرادی خارج از ائتلاف نیز در کابینه شرکت داشتند، که مهم‌ترین‌شان سرلشکر فضل‌الله زاهدی وزیر کشور بود^۳ و از سوی دیگر اکثر تشکیل‌دهندگان جبهه ملی می‌خواستند بر موج احساسات عمومی سوار

شوند و از این راه به قدرت دست یابند. از جمله این افراد مظفر بقایایی بود که دریافت یک سازمان کوچک نمی‌تواند پشتوانه محکمی در جبهه ملی، برای رسیدن به آرزوهایش باشد، از این رو با همکاری خلیل ملکی حزب زحمتکشان ملت ایران را تأسیس کرد.

روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۳۰ در روزنامه شاهد بیانیه‌ای با عنوان اخطار مهم با امضای مظفر بقایایی کرمانی منتشر و تأسیس حزب زحمتکشان ملت ایران اعلام شد. این بیانیه از اعضای سازمان‌های «سازمان نظارت آزادی انتخابات» و «سازمان‌های نخبگان آزادی» و «سازمان دانشجویان و جوانان مبارز» و «سازمان مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت» خواست در حزب جدید ثبت‌نام کنند. فردای آن روز و در همان روزنامه اساسنامه موقت حزب زحمتکشان ملت ایران و بیانیه تشکیل حزب مذکور درج گردید

۱. سپید و سیاه، ص ۷، روزشمار ۴/۲۳/۱۳۴۰.

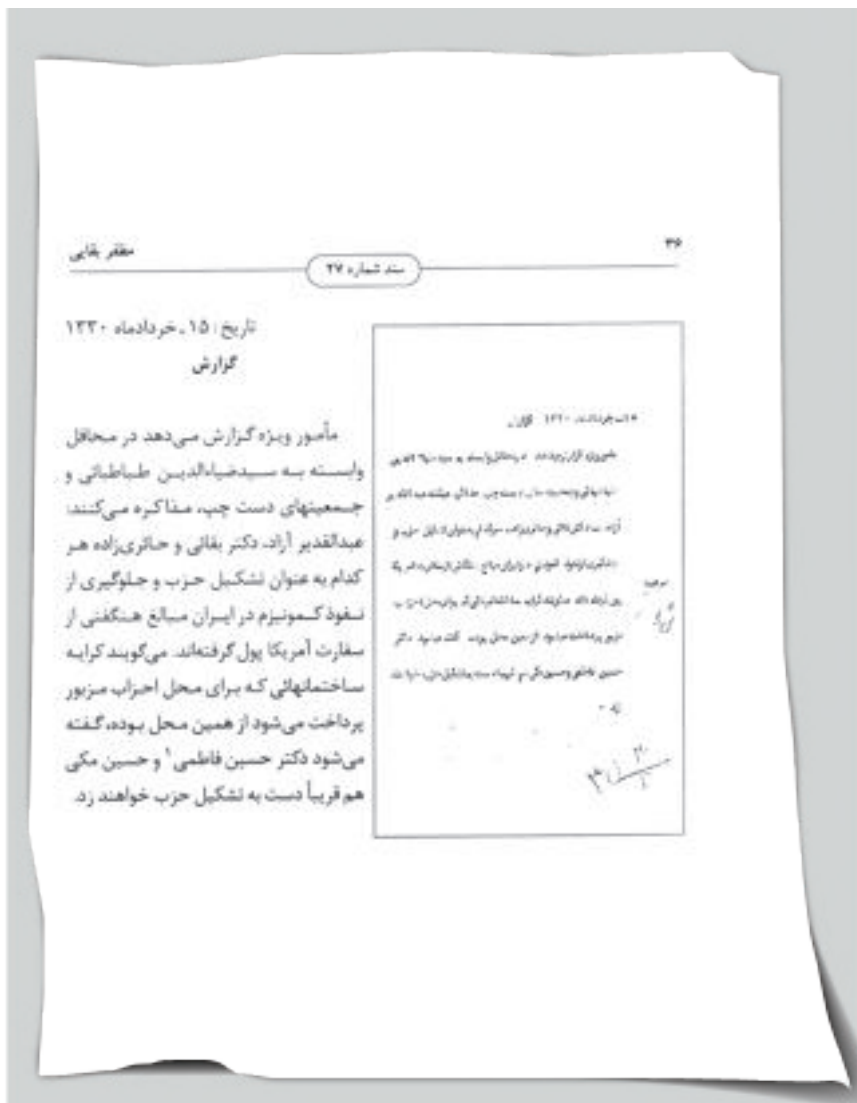
۲. حسین آبادیان، همان، ص ۱۴۱.

۳. محمدعلی همایون کاتوزیان، همان، ص ۲۱۷.





و از همان تاریخ، روزنامه شاهد به عنوان ارگان حزب زحمتکشان ملت ایران خوانده شد.^۱ سفارت امریکا به بقایی و حائری زاده به بهانه تشکیل حزب و مبارزه با کمونیسم مبالغه‌آمیزی پرداخت کرد تا توانستند ساختمان‌هایی برای فعالیت حزب خود فراهم کنند.



۱. رضا آذری شهرضایی، «از انشعاب تا کودتا؛ نگاهی به چگونگی شکل‌گیری و مواضع»، گفت‌وگو، ۱۳۸۰، ش ۳۱، ص ۱۱۵؛ همچنین رک: شاهد، پنج‌شنبه ۱۳۳۰/۲/۲۶، ش ۳۸۴.



خلیل ملکی در کنار حسین مکی در دفتر حزب زحمتکشان ملت ایران

ولی آنچه حزب زحمتکشان را تضعیف کرد و در نهایت باعث متلاشی شدن آن شد، ترکیب به شدت ناهمگون کادر رهبری و اعضای آن بود.^۱ در پی مخالفت‌های بقایی با مصدق که مدت‌ها قبل از سال ۱۳۳۱ شروع شده بود، دو دیدگاه در حزب زحمتکشان پدید آمد: دیدگاه بقایی که دوران همکاری با مصدق را پایان یافته می‌دید و دیدگاه خلیل ملکی که به تداوم همکاری با مصدق تمایل داشت. از ۲۶ تیرماه ۱۳۳۱ مواضع بقایی در این زمینه علنی‌تر شد.^۲ با استعفای مصدق و ملاقات بقایی با احمد قوام در روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱، خلیل ملکی و همراهانش خواستار توضیح درباره این ملاقات شدند، اما بقایی با این استدلال که حاضر نیست تا این درجه از نظم حزبی و سازمانی تن در دهد، از دادن هر گونه توضیحی خودداری کرد و به دلیل تمارض بقایی، رسیدگی به این مسئله در حزب تا مهر ۱۳۳۱ به تعویق افتاد. در ۲۰ مهر ۱۳۳۱ جلسه حزبی در این باره تشکیل شد و بقایی که می‌کوشید از پاسخگویی طفره رود با عصبانیت جلسه را ترک کرد و از حزب استعفا کرد. هواداران بقایی، در عصر ۲۲ مهر ۱۳۳۱ در دفتر حزب حاضر شدند و طرفداران ملکی را پس از ضرب و شتم بیرون رانده و بقایی را از منزل به مرکز حزب آوردند.^۳ بقایی در اعلامیه‌ای که در روزنامه شاهد منتشر شد، علت اخراج خلیل ملکی را

۱. مارک گازو بوورسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، مرکز، ۱۳۷۱، ص ۱۱۰.
 ۲. دایره المعارف انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۹۶.
 ۳. مسعود حجازی، رویدادها و داوران؛ خاطرات مسعود مسعود حجازی ۱۳۳۹-۱۳۲۹، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۵، ص ۵۰.



کمونیسست بودن او عنوان کرد. در پی این اطلاعیه حزب زحمتکشان به دو گروه منشعب شد: حزب زحمتکشان ملت ایران به رهبری بقایی و حزب زحمتکشان ملت ایران و «نیروی سوم» به رهبری خلیل ملکی.^۱ بقایی پس از جدایی خیلی زود به حالت طبیعی مخالفت خوانیش بازگشت و یکی از تندترین مخالفان مصدق شد. او در روزنامه‌اش - شاهد - و در مجلس به انتقاد از خط مشی مصدق پرداخت^۲ و سرانجام به پاس فداکاری‌هایش در کودتای ۲۸ مرداد از طرف رژیم پهلوی یک قطعه نشان رستاخیز درجه (یک) به وی اعطا گردید.



۱. مظفر بقایی به روایت اسناد ساواک، همان، مقدمه، ص ۷.

۲. اسناد لانه جاسوسی آمریکا، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۹۰.



مظفر بقایی در کنار حسین مکی، حسین فاطمی و شمس قنات آبادی در دفتر حزب زحمتکشان ملت ایران

با سقوط دولت دکتر مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نرسیدن بقایی به نخست‌وزیری، این بار مخالفت پر سر و صدای بقایی متوجه دولت فضل‌الله زاهدی شد که آن را متهم به فساد و خیانت در برقراری مجدد روابط دیپلماتیک با بریتانیا نمود که با واکنش تند زاهدی در بستن روزنامه شاهد و تبعیدش به زاهدان مواجه گردید. در ایامی که وی در تبعید بود، اوضاع و احوال حزب زحمتکشان به شدت متشنج گردید.^۱ بعد از بازگشت بقایی از تبعید هم تغییری در اوضاع و احوال حزب صورت نگرفت. هیئت اجراییه حزب تشکیل جلسه نمی‌داد و تنها بقایی با عده معدودی در منزل شخصی خودش جلسات حزبی برگزار می‌کرد که بیشتر شبیه محافل دوستانه بود تا فعالیت سیاسی.^۲ در سال ۱۳۳۶ تشکیلات علنی حزب زحمتکشان لحظات احتضار را سپری می‌کرد و بقایی دیگر یک چهره سیاسی فعال به شمار نمی‌رفت.^۳

در سال ۱۳۳۹ نیروهای سیاسی عمده دوره‌های پیشین، با همان نام یا نامی دیگر - دوباره پای به صحنه گذاشتند، جبهه ملی با نام جبهه ملی دوم، نیروی سوم با نام جامعه سوسیالیست‌ها، نهضت ملی ایران با نام نهضت آزادی و حزب زحمتکشان با نام جمعیت

۱. اسناد لانه جاسوسی آمریکا، همان، ص ۸۰.

۲. رک. اسناد ساواک، اسناد ۱۶۵-۱۲۶.

۳. نورالدین کیانوری، گفت‌وگو با تاریخ، تهران، نگره، ۱۳۷۶، ص ۴۲۶.





در شهریور ۱۳۳۹ پس از کناره‌گیری دولت منوچهر اقبال، مظفر بقایی به منظور این که بتواند علاوه بر اعضای حزب زحمتکشان گروه دیگری از طبقات مختلف مردم را که حاضر به قبول عضویت در این حزب نبودند، به گرد خود جمع کند و در انتخابات در پیش مجلس شورای ملی موفق شود، با همکاری حسین مکی و غلامحسین رحیمیان نمایندگان سابق مجلس شورای ملی و چند نفر دیگر از دوستان خود تشکیلات سیاسی پیشین خود را مجدداً احیا کرد و نام «جمعیت پاسداران آزادی» (سازمان نگهبانان آزادی) بر آن نهاد

پاسداران آزادی هر یک به شکلی احیا شدند.^۱ در شهریور ۱۳۳۹ پس از کناره‌گیری دولت منوچهر اقبال، مظفر بقایی به منظور این که بتواند علاوه بر اعضای حزب زحمتکشان گروه دیگری از طبقات مختلف مردم را که حاضر به قبول عضویت در این حزب نبودند، به گرد خود جمع کند و در انتخابات در پیش مجلس شورای ملی موفق شود، با همکاری حسین مکی و غلامحسین رحیمیان نمایندگان سابق مجلس شورای ملی و چند نفر دیگر از دوستان خود تشکیلات سیاسی پیشین خود را مجدداً احیا کرد و نام «جمعیت پاسداران آزادی» (سازمان نگهبانان آزادی) بر آن نهاد.^۲ بر اساس اسناد لانه جاسوسی امریکا، با تمام اقدامات بقایی هر دو سازمان تحت ریاستش (حزب زحمتکشان و پاسداران آزادی) «بدون پایگاه عمده مردمی و تنها با روحیه فردپرستی اداره می‌شدند.»^۳

مواضع جمعیت پاسداران آزادی (سازمان نگهبانان آزادی) در مورد قیام ۱۵ خرداد

۱۳ خرداد ۴۲ مصادف با عاشورای حسینی، امام با وجود اعلام آماده‌باش ارتش، سخنرانی کوبنده و حماسی خود را با بهره‌گیری از مناسبت عاشورای حسینی علیه شخص شاه بیان داشتند که در نهایت منجر به دستگیری ایشان توسط رژیم گردید. در پی دستگیری امام خمینی که در اندک مدتی در تمام کشور پخش شد مردم به تظاهرات عظیمی دست زدند که مجموعاً نهضت پانزده خرداد را تشکیل داد. با آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی، دو طیف کاملاً آشکار در سازمان نگهبانان آزادی به چشم می‌خورد، عده‌ای همچنان در چارچوب فعالیت قانونی به منظور انتقاد

۱. محسن مدیر شانه‌چی، احزاب سیاسی ایران؛ با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعه سوسیالیست‌ها، تهران، رسا، ص ۷۷.

۲. پرونده‌های انفرادی ساواک، سند ش ۱۷۰.

۳. اسناد لانه جاسوسی امریکا، همان، ص ۸۹.



از دولت‌های وقت می‌اندیشیدند و عده‌ای دیگر بر این باور بودند که به صفوف نهضت بپیوندند، این عده معتقد بودند: «که باید در کنار سایر مردم در تظاهرات خیابانی شرکت کرد.» محمدتقی علویان قوانین، علی فتوگرافی، غضنفر یمینی شریف، سید جلال الدین حسنی، سید حسن آیت و محمود دلیل دیدار، در زمره این افراد بودند. برخی از این افراد در تظاهرات خیابانی هم شرکت کرده بودند. لیکن شخص بقایی از این فعالیت‌ها ابراز نگرانی می‌کرد و مخالف آن بود. سلطان محمد فریدونی در جمع سازمان، نارضایتی بقایی را از شرکت اعضای حزب در تظاهرات شهرهای قم و تهران اعلام کرد و هشدار داد که هر کس می‌خواهد فعالیت حزبی کند، باید ابتدا به مقامات حزبی اطلاع دهد. او گفت که حزب علاوه بر مرامنامه، باید به قانون اساسی مملکت هم وفادار باشد. بقایی به سلطنت شاه وفادار بود و معتقد بود «نظر به اینکه در ایران فردی دلسوز و وطن پرست یعنی شاه حکومت می‌کند، نوک تیز حملات باید علیه دولت باشد نه علیه شخص شاه.»^۱ سه روز بعد از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در جلسه سازمان، بقایی موضع صریح خود را در برابر نهضت امام خمینی (ره) اعلام کرد:

این انقلاب را ما سه سال پیش گفته‌ایم و تمام تلاش ما بر این بود که هیئت حاکمه را متوجه کنیم انقلاب پیش نیاید، لیکن در اثر عدم توجه زمامداران، انقلاب شروع شده است و نتیجه‌اش چه خواهد شد، معلوم نیست؛ زیرا انقلاب کور است، به طوری که مشاهده شد خرابکاری‌ها بیشتر از طرف عوامل دولتی صورت گرفته است و مردم را آن عوامل، به طرف خرابکاری سوق می‌داده‌اند. ما همچنان سکوت خواهیم کرد، ولی افراد حزب بایستی تا آنجایی که برایشان تولید خطر ننماید با مردم همکاری و آنها را ارشاد نمایند. اما بایستی همه افراد حزب بدانند که اگر یکی از افراد حزبی زخمی یا دستگیر شود، بنده که رهبر حزب می‌باشم و به همگی شما علاقمند نیز هستم، برایش فاتحه هم نخواهم خواند. مبارزه را که عده‌ای روحانی شروع نموده‌اند اگر ما دخالت کنیم علاوه بر این که آنها را سست خواهیم نمود و باعث رکود مبارزه آنها خواهیم شد و ما نیز سوءاستفاده‌چی معرفی خواهیم شد که از مبارزه عده‌ای استفاده نموده و به نام خودمان تمام کنیم ما هرگز در این فکر نبوده و نخواهیم بود.^۲

۱. حسین آبادیان، همان، ص ۲۹۰.

۲. مظفر بقایی به روایت اسناد ساواک، همان، ج ۲، ص ۱۲۳، اسناد ۷۹ و ۸۱.

شماره: ۱۱۱۱-۴۱۱ اذیت تاریخ: ۱۳۴۲/۳/۱۹

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: سازمان نگهبانان آزادی

گزارش داخلی

تاریخ: ۱۳۴۲/۳/۱۹	موضوع: سازمان نگهبانان آزادی
محل: تهران	موضوع: سازمان نگهبانان آزادی
موضوع: سازمان نگهبانان آزادی	موضوع: سازمان نگهبانان آزادی
موضوع: سازمان نگهبانان آزادی	موضوع: سازمان نگهبانان آزادی

از ساعت ۱۷ روز ۴۲/۳/۱۸ به تدریج دکتر بقلی، مهندس علی اکبر آموزگار، سید حسن آیت و عده زیادی از افراد حزب زحمتکشان در محل سازمان نگهبانان آزادی حضور به هم رساندند ابتدا سید حسن آیت درباره سکوت دکتر بقلی و حزب زحمتکشان و این که به چه علت قانون حکومت نظامی شامل حزب زحمتکشان و افراد آن نمی‌شود با دکتر بقلی بطور مفصل صحبت کرد، به دکتر بقلی اظهار داشت شعا و حزب ما از این سکوتی که نموده است، به علما و روحانیون و به افکار عمومی

نموده چه نتیجه می‌گیرید و به علاوه ما مرتباً اینجا جمع می‌شویم و جلسه تشکیل می‌دهیم و هیچ مقامی طبق ماده ۵ فرماندار نظامی مزاحم ما نمی‌شود. دکتر بقلی در جواب اظهار داشت درباره این موضوع باید از دولت سوال کنیم که چرا مزاحم ما نمی‌شود و اما درباره سکوت بنده و حزب زحمتکشان باید بگویم که ما جریان حوادث امروز را چند سال قبل به دولت تذکر دادیم اما به حرف ما توجه نکردند و امروز هیأت جاگم رسوای ما گرفتار خشم ملت ایران شده است و من صلاح می‌دانم که در این جریان سکوت نکنیم. امروز هیأت حاکمه ما و کسانی که مغز شاه هستند، در دنیا رسوا شده‌اند اینها ادعا می‌کردند که در فرزندم، ۶ میلیون رأی موافق گرفتند، زمامداران دنیا که مغز خر نخوردند، درگ می‌کنند که اینها دروغ گفته‌اند و جز عده خریداری شده‌کس دیگری به اینها در فرزندم رأی موافق نداده است.





شماره: ۱۳۶۸/۱۰، تاریخ: ۱۳۶۸/۳/۲۲
 موضوع: سازمان نگهبانان آزادی

دکتر سقایی روز ۲۲/۳/۶۸ در جلسه گویندگان گفت: دولت قصد انجام انتخابات را دارد و می خواهد انتخابات را طوری انجام دهد که بر حسب ظاهر آزاد و ملی باشد ولی در باطن کسانی را که خودش در نظر دارد از صندوق بیرون می آورد، برای این منظور مجبور خواهد بود که تا اتمام رای آزادی دهد و طبقه ماست که از آن آزادی مختصر استفاده کرده و مانند دو انتخابات گذشته آنها را رسوا کنیم^۱ و این کار را هم خواهیم کرد مگر این که عدم آزادی انتخابات را اعلام کنند آن وقت ما هیچ گونه فعالیت نخواهیم نمود و در مرزها موضوع روز تهران و ایران اظهار نظر نمود و گفت این

انقلاب را ما سه سال پیش گفتیم و تمام تلاش ما بر این بود که هیأت حاکمه را متوجه کنیم انقلاب پیش نباید^۲، لیکن در اثر عدم توجه زمامداران انقلاب شروع شده است و نتایجش چه خواهد شد معلوم نیست زیرا انقلاب کور است. دکتر باقری گفت به نظری که مشاهده شد خرابکاریها بیشتر از طرف عوامل دولتی صورت گرفته است و مردم را آن عوامل بطرف خرابکاری سوق می دادند دکتر باقری گفت ما همچنان سکوت خواهیم کرد ولی افراد حزب بایستی تا آن جایی که برایشان تولید خطر نمایند یا مردم همکاری و آنها را از شاد نمایند اما بایستی همه افراد حزب بدانند که اگر یکی از افراد حزبی زخمی یا دستگیر شود بنده که رهبر حزب می باشم و به همکاری شما علاقمند نیز هستم، برایش فاتحه هم نخواهم خواند. دکتر باقری گفت مبارزه را که عدای از طبقات روحانی شروع کردند ما اگر دخالت کنیم علاوه بر این که آنها را سست خواهیم نمود و باعث رکود مبارزه آنان خواهیم شد و ما نیز سود استفاده چینی معرفی خواهیم شد که از مبارزه عدای استفاده نموده و به نام خودشان تمام کنیم ما هرگز در این فکر نبوده و نخواهیم بود دکتر باقری گفت من طبقه رهبری حزبی را انجام می دهم و بموقع کار را شروع خواهیم نمود و اکنون هم بیگانه نمانم.





مظفر بقایی در کنار علی زهری و تنی چند از اطرفیانش در دفتر حزب زحمتکشان ملت ایران

بقایی معتقد بود افرادی که در قیام ۱۵ خرداد شرکت داشتند رهبری نداشتند که برنامه‌ای داشته باشد و اگر روزی پی ببرند که احتیاج به رهبری دارند، خواه ناخواه به طرف یکی از احزاب سیاسی می‌آیند که اگر به طرف من بیایند من آنها را رهبری می‌کنم.^۱

ساواک در یکی از گزارش‌های خود بعد از حمله کماندوها به مدرسه فیضیه در فروردین ۱۳۴۲ ادعا می‌کند^۲ که سید جلال حسینی یکی از اعضای حزب زحمتکشان، نظر امام خمینی (ره) را در مورد بقایی جو یا شده بود که پاسخ امام چنین بوده است: «خود دکتر بقایی سازمان امنیتی است و گرنه چرا تلاش نمی‌کند و با ما همگامی ندارد»^۳

تاریخ ۱۳۴۲/۱/۱۸

شماره ۱۴۱۷/س ت

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: وضع حزب زحمتکشان

حزب زحمتکشان بسیار در حال سکوت و رکود بسر می‌برد و هیچ فعالیتی در محیط حزب (محل سازمان نگهبانان آزادی) بچشم نمی‌خورد. روز شنبه ۴۲/۱/۱۷ کلاً در حزب ۲۰ نفر حضور داشتند. از

۱. همان.

۲. همان، ص ۹۹، سند ۶۱.

۳. اسناد ساواک، ج ۲، سند ۶۱.

این عده تعدادی برای بازی شطرنج آمده بودند، آقای فراهانی مسوول تشکیلات تهران نیز نیامده بود. عده حاضر از سکوت حزب در تعجب بودند. آقای فریدونی گفت تمام دستگاه‌ها منتظر هستند که ببینند ما چه می‌کنیم و از این قبیل سخنان و در نظر داشت که با این صحبت‌ها سکوت حزب را طور دیگری جلوه دهد و شاید آن را از بین ببرد. یکی از حاضرین اظهار داشت عده‌ای از جمله سید جلال حسینی بدون اطلاع حزب نزد آقای خمینی رفته‌اند و آقای خمینی اظهار داشته که خود دکتر بقائی سازمان امنیتی است و گرنه چرا تلاش نمی‌کند و با ما همگامی ندارد. آقای فریدونی بنا به مصلحتی تشخیص دادند که این بحث ادامه پیدا نکند. در ضمن آقایان دیگر هم سوالاتی درباره اعتصاب دانشگاه و چگونگی آن کردند که آقای فریدونی با تصدیق و تایید شاید برگزار نمود آقای درخشان اشاره به جریان روز پنجشنبه بازار کرد و گفت بعد از ختم مسجد ارک که از طرف جبهه ملی گذاشته شده بود، عده‌ای ریختند و بازار زرگرها را غارت کردند و این جریان به ضرر نهضت بود. این جلسه بعد از صحبت‌های فوق خاتمه یافت و جلسه بعد به روز شنبه آینده موکول گردید.



شماره: ۱۳۴۱۷/س ت تاریخ: ۱۳۴۲/۱/۱۸
گزارش اطلاعات داخلی
موضوع: اوضاع حزب زحمتکشان

حزب زحمتکشان بسیار در حال سکوت و رکود بسر می برد و هیچ فعالیتی در محیط حزب (محل سازمان نگهبانان آزادی) چشم نمی خورد. روز شنبه ۲۲/۱/۱۷ کلاً در حزب ۲۰ نفر حضور داشتند، از این عده تعدادی برای بازی شطرنج آمده بودند، آقای فراهانی مسؤول تشکیلات تهران نیز نیامده بود. عده حاضر از سکوت حزب در تعجب بودند. آقای فریدونی گفت تمام دستگاهها منتظر هستند که ببینند ما چه می کنیم و از این قبیل سخنان و در نظر داشت که ما این صحبتها

سکوت حزب را بطور دیگری جلوه دهد و شاید آن را از بین ببرد. یکی از حاضرین اظهار داشت عده ای از جمله سید جلال حسینی، بدون اطلاع حزب نزد آقای خمینی رفتند و آقای خمینی اظهار داشته که خود دکتر بقائی سازمان امنیتی است و گر نه چرا تلاش نمی کند و با ما همکاری ندارد. آقای فریدونی بنا به مصلحتی تشخیص دادند که این بحث ادامه پیدا نکند. در ضمن آقایان دیگر هم سوالاتی درباره اعتصاب دانشگاه و چگونگی آن کردند که آقای فریدونی با تصدیق و تأیید شاید برگزار نمود آقای درخشان اشاره به جریان روز پنجشنبه بازار کرد و گفت بعد از ختم مسجد از ک که از طرف جبهه ملی گذاشته شده بود، عده ای ریختند و بازار زرگرها را غارت کردند و این جریان به ضرر نهضت بود. این جلسه بعد از صحبت های قوی، خاتمه یافت و جلسه بعد به روز شنبه آینده موکول گردید.

گزارش اطلاعات حزب

موضوع: اوضاع حزب
 تاریخ: ۱۳۴۲/۱/۱۸
 گزارش: فریدونی
 تایید: ...

این سند یک گزارش داخلی است که در آن به اوضاع حزب زحمتکشان در تهران اشاره شده است. در متن گزارش، به کمبود فعالیت و حضور کم اعضا در جلسه اشاره شده است. همچنین به صحبت های اعضا در مورد سکوت حزب و انتظار برای تغییر در مدیریت اشاره شده است. در پایان سند، امضا و تاریخ گزارش ذکر شده است.



با آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی، دو طیف کاملاً آشکار در سازمان نگاهبانان آزادی به چشم می‌خورد، عده‌ای همچنان در چارچوب فعالیت قانونی به منظور انتقاد از دولت‌های وقت می‌اندیشیدند و عده‌ای دیگر بر این باور بودند که به صفوف نهضت پیوندند، این عده معتقد بودند: «که باید در کنار سایر مردم در تظاهرات خیابانی شرکت کرد.»

البته در هیچ کجای تاریخ ملاقات فردی به نام سید جلال حسینی از حزب زحمتکشان با امام خمینی بعد از واقعه مصیبت بار و غم‌انگیز حمله به مدرسه فیضیه و کشتار طلاب بی‌گناه به ثبت نرسیده است و جمله منسوب به امام خمینی در مورد مظفر بقایی در این گزارش از اساس فاقد وجهت تاریخی است و با مرام و مشرب و اخلاق امام سازگاری ندارد. اما این گزارش به خوبی نشان می‌دهد که در آن دوران غم‌بار، چگونه احزاب پرطمطراق به جای بودن در کنار مردم و دفاع از حقوق و آزادی توده‌ها در پی حفظ خود و منافع حزبی خود بوده و از ترس این که خللی به جایگاه آنها در ارکان رژیم پهلوی به وجود نیاید با سکوت مرگبار خود مهر تأییدی بر جنایت‌های شاه

می‌زدند. سیاستی که نه تنها حزب زحمتکشان یا جمعیت دفاع از آزادی بلکه جبهه ملی و سایر احزاب، در طول نهضت خون‌بار ملت ایران به رهبری امام خمینی دنبال کردند. تنها در واکنش به اعتراضات درون حزبی و برای اینکه حزب زحمتکشان در برابر تحولات اخیر سخنی گفته باشد، بقایی در ۱۵ تیر ۱۳۴۲ نامه‌ای سرگشاده تهیه کرد. متن نامه بسیار ملایم بود. محور نامه هشدار به تقلب‌های انتخابات آتی مجلس شورای ملی بود و پیشنهاد اعلام مرجعیت عامه امام خمینی بود. اما در مقابل جنایات حمله به مدرسه فیضیه و خون‌ریزی‌های رژیم شاه در ۱۵ خرداد سال ۴۲ کوچکترین سخن و اعتراضی مطرح نشد.^۱

در اواخر سال ۱۳۴۲ پس از گذشت ماه‌ها از زمان خونریزی نظامیان در صحن مدرسه فیضیه، بقایی از این واقعه یاد کرد و از «تخطی دستگاه حکومت به حریم مقدس دیانت خبر داد» و اعلام کرد: «به دلیل حوادث واقعه در مدرسه فیضیه از برپاداشتن جشن‌های نوروز سال ۱۳۴۳ خودداری می‌کند.» و به منظور اعتراض به اعمال ضد انسانی دستگاه حاکمه، کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ملت ایران، در جلسه فوق‌العاده سه‌شنبه ۱۳۴۲/۱۱/۲۳ تصویب نمود که تمام شئون و مراسم نوروز امسال را به افراد مبارز و با





ایمان حزب تحریم نماید.^۱ این اعلامیه واکنش مثبتی در میان مردم ایجاد نکرد زیرا هنگامی منتشر شد که مردم به رهبری روحانیت در برابر اسدالله علم و دربار و شخص شاه موضع‌گیری کرده بودند. متعاقب این اعتراضات نیروهای جوان حزب زحمتکشان نیز از بقایای به عنوان رهبر حزب می‌خواستند در برابر جنبشی که حتی پس از سرکوب مردم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نیز فروکش نکرده بود، واکنش نشان دهد.

اما با تسلط حکومت بر اوضاع و فروکش کردن اعتراض‌ها، ساواک در تیر ۱۳۴۳ به حزب زحمتکشان اعلام کرد که از تشکیل جلسات و حوزه‌های حزبی خودداری کند. از آن پس، بقایای و حزبش، دوره رکود تازه‌ای را تجربه کردند. تنها در مرداد ۱۳۵۰ بود که به تشویق ساواک و با هدف به انحراف کشاندن مسیر انقلاب اجازه فعالیت یافت و دفتری برای ستاد مرکزی حزب اجاره کرد.^۲

بقایای در شهریور ۱۳۵۷ تنها راه‌هایی کشور از بن‌بست را اجرای قانون اساسی دانست و از همه گروه‌ها خواست تا اختلافات خود را کنار بگذارند. ضمن آنکه هر تغییری در نظام موجود را به صلاح مملکت ندانست. او حزب زحمتکشان و سازمان‌نگهبانان آزادی را یک بار دیگر راه‌اندازی کرد. اما گستردگی حرکت، مجالی برای ابراز وجود احزاب و گروه‌ها، از جمله حزب زحمتکشان فراهم نکرد. این روند پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه یافت و در بیستم تیر ۱۳۵۸، بقایای به همراه عده‌ای از دوستانش به اتهام توطئه علیه انقلاب اسلامی، در کرمان دستگیر شد و مدتی در بازداشت به سر برد. او در دی همان سال با انتشار نواری که به وصیت‌نامه سیاسی‌اش شهرت یافت، بازنشستگی خود را از سیاست اعلام کرد، اما فعالیت‌های سیاسی پنهانی‌اش ادامه یافت و ارتباطش با عوامل بیگانه او را به بازداشتگاه کشاند.^۳ سرانجام با مرگ مظفر بقایای در ۲۷ آبان ۱۳۶۶ پرونده حزب زحمتکشان ایران و سازمان‌های تابعه آن، که عملاً از بین رفته بود، برای همیشه بسته شد.^۴

البته درباره مظفر بقایای و سیاست‌بازی‌های حزب زحمتکشان و عناصر وابسته بدان می‌توان و باید گسترده‌تر قلم زد تا نشان داده شود در آن دورانی که ملت ایران برای رهایی از چنگال استبداد و استعمار همه هستی خود را به میدان آورد، احزاب ساخته

۱. حسین آبادیان، همان، ص ۲۶۷.

۲. اسناد لانه جاسوسی آمریکا، همان، ص ۹۲.

۳. حسین آبادیان، «حزب زحمتکشان ملت ایران و انقلاب اسلامی»، *مطالعات تاریخی*، س ۱، ش ۱، ۱۳۸۲، ص ۲۱۴-۲۰۹.

۴. *دایره‌المعارف انقلاب اسلامی*، ج ۲، ۹۷.

دست قدرت مثل حزب زحمتکشان، جبهه ملی و سایر احزاب، سرگرم بازی‌های بچه‌گانه انتشار اعلامیه و صدور بیانیه و تحکیم رژیم شاهنشاهی در ایران بودند و چه سرمایه‌هایی را که با این بازی‌ها به باد ندادند.

